

آذر ماه سال گذشته ماجرای شعار نویسی بر دیوار سفارت انگلیس و فرانسه در تهران به یک جنجال تبدیل شد. جریان هایی در پی اقدامات مداخله جویانه این کشورها در امور داخلی ایران در حوادث سال گذشته اقدام به نوشتن شعارهایی علیه انگلیس و فرانسه بر دیوارهای سفارتخانه های آن ها در تهران کردند.موضوع زمانی جنجالی شد که «سایمون شر کلیف» سفیر بریتانیا در تهران تصویری از این شعار نویسی ها در شبکه های اجتماعی خود منتشر کرد. او در روزهای بعد تصویری از خودش با کلاه بابائول منتشر کرد و در توییتهای چند کشور خارجی و همچنین از کسانی که در پاک کردن شعارها از روی دیوارهای سفارت این کشور در تهران همکاری کردند، قدر دانی کرد اما این پایان ماجرای شعار نویسی علیه انگلیس روی دیوارهای سفارت نبود. روز سه شنبه دیوار باغ لهند که از یک سده است که در اختیار دولت بریتانیا قرار گرفته، منقش به شعارهای مرگ بر انگلیس شد.

◀ **قانون درباره کشیدن نقاشی روی دیوارهای شهری چه می گوید؟**

حفظ سیما و منظر شهر بر عهده «سازمان زیباسازی شهرداری» است. یکی از مقامات سازمان زیباسازی شهرداری گفته «سازمان زیباسازی شهرداری به حریم هر ساختمانی که مالکیت خصوصی داشته باشد، اما بخشی از آن یا تمام آن در حوزه سیما و منظر شهر قرار گرفته باشد، می تواند ورود کند، اما این ورود باید با مجوز مالک صورت بگیرد. این در مورد مالکان ساختمان هایی که دیوار آن ها در سیما و منظر شهر واقع شده هم صادق است؛ به این معنا که افراد نمی توانند با این بهانه که دیوار خانه خودشان است، اقدام به کشیدن نقاشی یا گرافیک کنند. او گفته «کمیسونی در سازمان زیباسازی وجود دارد که درباره مجوزهای درخواستی افراد تصمیم گیری می کند. سازمان زیباسازی برای کشیدن هر گرافیکی روی دیوار ساختمان سراغ مالکان می رود و از آنها مجوز می گیرد؛ متقابلا افراد هم برای کشیدن طرح و نقش روی دیوارهایی که در سیما واقع شده باید از شهرداری مجوز بگیرد. یکی از اقدامات مرسوم شهرداری، کشیدن پرتزه شهید بر دیوارهای شهر است. در این مورد مصوبه از سوی بنیاد شهید وجود دارد که شهرداری ها را ملزم می کند تنها تصویر شهدای ملی را نقاشی کنند. بعضا پیش آمده که خانواده ها اجازه کشیدن تصویر شهدای دیگر را بر روی دیوار خانه شان نداشته اند و خواستار نقاشی شهید خانواده خودشان شده اند که این متقوله باید در کمیته مربوطه در سازمان به تصویب می رسیده است. این اظهارات را باید در کنار بنبرهای شهرداری تهران بعد از پاک کردن شعارها از دیوار سفارت توسط سفیر بررسی کرد. بعد از پاک شدن شعارها، سازمان زیباسازی شهرداری تهران بنبری مقابل سفارت انگلیس و فرانسه در تهران نصب کرد و روی آن نوشت «تنگ با رنگ پاک نمی شود. حال بعد از گذشت بیش از ۷ ماه از این ماجراها انگلیس که بسته شده سفارت این کشور را با این شعارهای هزینه بر ایران داشته است! خبر گزارهای دولتی از جمله ایسنا به نقل از منابع آگاه، جریمه بابت شعار نویسی را تکذیب کرده اند. آذر ماه ۱۳۹۰ سفارت بریتانیا در تهران هدف حمله جوانان قرار گرفت. این اقدام سر آغاز قطع روابط ایران با انگلیس، نروژ و اخراج دیپلمات های ایرانی از خاک بریتانیا شد.

بعد از این حادثه، دولت انگلیس خواهان پرداخت خسارت به اموالی شد که در جریان ورود دانشجویان به سفارتخانه این کشور در تهران صدمه دیده بودند. مجید تخت روانچی، معاون وزیر خارجه در دولت روحانی سال ۲۰۱۴ یعنی سه سال بعد از حادثه سفارت اعلام کرد ایران آماده پرداخت هزینه سفر بریتانیا را بپردازد. همان زمان احمد مازنی نماینده وقت مجلس شورای اسلامی گفته بود ۶.۱ میلیون دلار بابت خسارت بالا رفتن از دیوار سفارت انگلیس به این کشور داده شده است. محمدجواد طریف وزیر خارجه وقت مقدار دقیق خسارت پرداخت شده را اعلام نکرد، اما گفت قوانین و حقوق بین المللی در این باره وجود دارد و دولت ایران هم اعلام کرده حفظ و نگهداری اماکن دیپلماتیک در تهران بر گردن دولت جمهوری اسلامی ایران است. بر اساس ماده ۲۲ پروتکل های روابط دیپلماتیک در کنوانسیون وین، اماکن دیپلماتیک (محل مأموریت دیپلمات ها) غیر قابل تعرض است و حتی مأموران دولت پذیرنده، مگر با موافقت رسمی نمایندگی، نمی توانند وارد آنها شوند. بند دو این ماده تاکید کرده «دولت پذیرنده موظف است کلیه اقدامات مناسب را برای محافظت از اماکن دیپلماتیک در برابر هر گونه نفوذ یا آسیب انجام دهد و از هر گونه برهم زدن آرامش این اماکن یا لطمه زدن به حیثیت آن خودداری کنند. بنابراین کنوانسیون، در صورت ورود خسارت به اماکن دیپلماتیک، دولت پذیرنده مسئول پرداخت خسارت خواهد بود. بر همین اساس هم استناد دول خارجی به قوانین بین المللی و کنوانسیون وین به عنوان قانون مرتب تر بر روابط دیپلماتیک کشورها در ارتباط با خسارت های وارده بر اماکن دیپلماتیک در کشور میزبان، استناد درستی است. جمهوری اسلامی ایران یکی از اعضای امضا کننده کنوانسیون وین است.

حشمت... فلاحت پیشه در گفت و گو با «آرمان ملی»:

دولت گزارشی از شکل گیری توافق به مردم ارائه کند

دیپلماسی پنهان این نیست که مردم از جزئیات توافق مطلع باشند

انچه شکل گرفته نه توافق؛ بلکه در قالب کاهش تنش قابل ارزیابی است

می توانستیم در سال اول دولت بایدن و سال آخر دولت آقای روحانی یک توافق خوب را ببندیم



◀ **توافق اخیر ایران و آمریکا در خصوص تبادل زندانیان و همچنین آزادسازی ۶ میلیارد دلار از دارایی های ایران در کره جنوبی را چگونه مورد ارزیابی قرار می دهید؟**

اصل قضیه این است که بالاخره این مسیر عمان که بعد از چند سال به مسیر مأموریت های بی فایده و بی نتیجه تبدیل شده بود به یک نتیجه ای رسید و اصل قضیه قابل دفاع است. چون من اعتقاد دارم که هر جا تنش زدایی صورت گرفت باید از آن استقبال کرد. منتها چند ملاحظه بعد از آن وجود دارد که باید آنها را در نظر گرفت. نخست اینکه امیدوارم این توافق که هنوز نهایی نشده منجر به تقویت واقع گرایی در سیاست خارجی ایران شود. چون همین حالا سوالاتی در مورد این موضوع وجود دارد. به عنوان مثال تاکنون بحث از بیش از ۷ میلیارد دلار بدهی کره جنوبی به ایران مطرح می شد ولی اکنون از ۶ میلیارد دلار سخن به میان می آید و به راحتی این گزارش داده می شود که چون در طول این دوران حدود ۰.۱۴ درصد ارزش پول کره جنوبی در مقابل دلار آمریکا کاهش پیدا کرده پس ضرر این کاهش را ایران باید متقبل شود که این خود جای بحث دارد. پول را کره جنوبی مسدود کرده و خود این کشور نیز باید ضرر را بپذیرد. اگر حتی سوئی پرداخت نمی کند بابت این پول که آن ناشی از ضعف قراردادی است که بسته شده حداقل باید این پول را به نرخ روز آن زمان به ایران پرداخت می کرده که نکرده است. موضوع دومی که وجود دارد اینکه دولت باید یک گزارش شفافی در خصوص این توافق بدهد. درست است که عنوان این دیپلماسی، دیپلماسی پنهان یا باواسطه است؛ اما معنی دیپلماسی پنهان این نیست که پس از صورت گرفتن توافق مردم از جزئیات آن مطلع نباشند.

مسیر مذاکرات طبیعتا ممکن است محرمانه باشد، اما بعد از این گزارش مشخص می شود برای اینکه پاسخی به سوالاتی که وجود دارد از جمله بحث موضوع دسترسی ایران به دارایی هایش داده شود. اما موضوع بعد اینکه این توافق به عنوان بخشی از توافق بزرگ تر با آمریکا است که شامل موضوع هسته ای می شود؟ این موضوع هم می تواند یک نوع خوش بینی را به دنبال داشته باشد و هم نوعی نگرانی را که ناشی از اخباری است که منتشر می شود. خوش بینی از این نظر که اگر ایران و آمریکا یک مسیری را یافته باشند که بتوانند تنش های خود را از جمله در زمینه هسته ای و برجامی که قابل احیا نیست کاهش دهند، اما حداقل یک توافق مقعولی شکل دهند باید از این توافق استقبال کرد. اما اگر نه این بخش اخباری که مطرح می شود مبنی بر اینکه ایران در ازای این توافق پذیرفته تغییراتی را در سوخت ۶۰ درصد هم از لحاظ غنی سوخت و هم از لحاظ سقف سوخت بپذیرد قابل دفاع نیست، چرا که از ابتدا این مسیر تحت عنوان مبادله زندانیان و پایان دادن به انسداد پول ایران بود. وقتی که این کار صورت نگرفت و این مساله که هنوز تایید نشده است مطرح می شود که ایران پذیرفته سوخت غنی شده ۶۰ درصد خود را رقیق کند و یا محدودیت های تازه ای را بپذیرد در صورت صحت این مساله ایران ما به ازای قابل توجهی در قبال این موضوع نگرفته و بنابر این باید گزارش شفافی داده شود. منتها زمانی چنین توافقی قابل دفاع است که در قالب یک بسته مذاکراتی طرفین همه مسائل را با هم ببینند. در واقع به گونه ای سکوت در طرف ایرانی وجود دارد، اما طرف آمریکایی اعلام می کند که هیچ امتیازی به ایران داده نشده و فقط در قالب استفاده انسان دوستانه از منابع ایرانی این کار پیش می رود.

ولی اخباری که در حوزه هسته ای شنیده می شود باید شفاف سازی شود. به نظر من این توافق اگر قبل از گسیل نیروهای آمریکایی به منطقه صورت می گرفت حتما شرایط بهتری شامل آن می شد. اما چون بعد از گسیل نیروهای آمریکایی به منطقه صورت گرفت که نوعی افزایش تنش ها ناشی از این موضوع قابل پیش بینی بود نشان دهنده این است که متاسفانه دولت فرصت اصلی توافق را از دست داده و در یک شرایط فورس ماژور توافق را صورت داده است. به هر جهت کلیت موضوع قابل دفاع است، اما امیدوارم منجر به نوعی واقع گرایی در سیاست خارجی شود و کشور بداند

◀ **اگر در نظر بگیریم که آمریکایی ها به دنبال توافق بلندمدت با ایران نیستند می توان اینگونه برداشت کرد که آنها با توافقاتی مثل تبادل زندانیان در صدد تفاهم کوتاه مدت و مرحله به مرحله با ایران هستند؟ من معتقدم هر آنچه که شکل گرفته نه در قالب توافق؛**

بلکه در قالب سیاست کاهش تنش قابل ارزیابی است. طرفین سعی می کنند که تنش های خود را کاهش دهند. حال ممکن است ایران بخشی از سرعت برنامه هسته ای خود را به عنوان استقبال از این کاهش تنش کاهش داده باشد یا در طرف مقابل می بینیم که مأموریت های مرتبط با سیاست فشار حداکثری در وزارت خزانه داری آمریکا تا حد زیادی تعدیل شده که ایران راحت تر نفت خود را می فروشد و دیگر اینکه کمتر طرفین مزاحم ناوگان کشتی متقابل یا کشورهای نزدیک به آمریکا هستند. اینها نشان می دهد که طرفین احساس می کنند که به سمت نوعی سیاست کاهش تنش پیش می روند. ولی من معتقدم این هنوز به معنای رسیدن به یک توافق جامع نیست.

◀ **بسیاری مطرح می کنند که اگر در سال های گذشته در اواخر دولت آقای روحانی شرایط به سمت سویی می رفت که این تبادل زندانیان و آزادسازی پول ها صورت می گرفت شاید بهره گسترده تری می بردیم تا اینکه امروز در چنین شرایطی؛ رویکرد شما در این خصوص چگونه است؟**

من معتقدم که متاسفانه در برخی از موارد و در برخی مقتضیات زمانی منافع هسته ای ایران درگیر بازی های جناحی شد. یعنی واقعا نمی شود انکار کرد که مسائل جناحی به منافع ایران آسیب زد. اگر موضع فرانچاحی بود می توانستیم در سال اول دولت بایدن و سال آخر دولت آقای روحانی یک توافق خوب را ببندیم. اما این کار صورت نگرفت. حتی که فرصت دیگر در سال اول دولت آقای رئیسی از دست رفت. اما امیدوارم همین توافق نیز که حداقل ضرر ملموس آن یک میلیارد دلار در شرایط کنونی است باعث واقع گرایی در دیپلماسی ما شود.

◀ **دو روایت در خصوص آزادسازی ۶ میلیارد دلار از دارایی های بلوکه شده ایران مطرح است که مقامات آمریکایی می گویند این دارایی ها صرفا برای مصارف بشر دوستانه برای ایران آزاد شده؛ اما مقامات مسئول در کشور معتقدند که از این پول هر جا و به هر نحوی که بخواهیم مورد استفاده قرار خواهد گرفت؛ اساسا این تناقض چگونه قابل بررسی است؟**

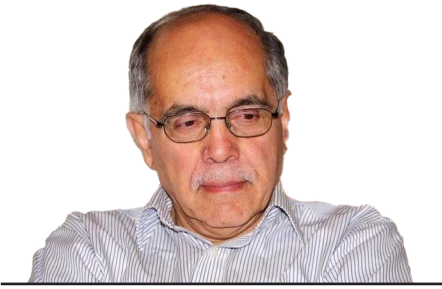
آنچه مشخص است اینکه آمریکایی ها در قالب تحریم های آفک قبل از اینکه ایران را تحت فشار قرار دهند بانک مرکزی قطر را تحت فشار و البته نظارت قرار خواهند داد. به طور طبیعی در جایی که تحریم وجود دارد ایران نمی تواند چنین پولی را هزینه کند. ولی من معتقدم در اصل قضیه محل نگرانی نیست؛ بلکه آنچه موجب نگرانی است بیش از یک میلیارد دلار پولی است که برگشته و من معتقدم ایران نباید نسبت به این موضوع کوتاه بیاید و دولت کره جنوبی مسئول این قضیه است. اگر نه ایران از طرق دیگر می تواند دلارهایی را جذب اقتصاد کشور کند و آن را در حوزه های مختلف هزینه کند. سالیانه حدود ۱۵ میلیارد دلار حداقل پولی است که ایران برای کالاهای اساسی و مصرفی کشور مورد نیازش است. این پول یک دوم پولی است که مدنظر است و می تواند در قالب نوعی مدیریت بودجه ای این کار را صورت داد.

◀ **پس از اعلام توافق مبادله ای ایران و آمریکا بایدن و دولتمردانش با حملات تند و شدید جمهوری خواهان مواجه شدند آن هم در یک سال مانده به انتخابات ریاست جمهوری این کشور؛ این نوع حملات به بایدن را از چه جهت می بینید؟**

مسئله حملات جمهوری خواهان به بایدن انتخاباتی است به هر حال بایدن این موضع را به عنوان یک دستاورد برای خود قلمداد می کند و طبیعتا جمهوری خواهان نیز به گونه ای به شدت انتخاباتی با موضوع برخورد می کنند. ضمن اینکه لایه های مختلفی هم در آنجا علیه ایران کار می کند. ولی من معتقدم که در اصل قضیه آنچه برای ما باید مهم باشد اتفاقات داخل آمریکا نیست چون دولت بایدن مسئول پایداری تعهداتی است که در توافق با ایران داشته این نمی تواند دغدغه ای برای ایران ایجاد کند.

کوروش احمدی مطرح کرد:

دستور کار حساس و شلوغ طرفین در ماه های آینده



یک تحلیلگر مسائل بین الملل در توافق ایران و آمریکا در خصوص آزادسازی پول های بلوکه شده ایران در کره جنوبی گفت: توافقی که به این ترتیب در حال شکل گرفتن است، تازگی ندارد. در گذشته و گذشته های دور هم توافقاتی کم و بیش مشابه انجام شده است. مثلا آخرین مورد معروفش توافقی بود که به موازات توافق برجام و مستقل از آن در دی ماه ۹۴ به مرحله اجرا رسید و در نتیجه آن جیسون رضائیان به همراه سه آمریکایی دیگر آزاد شدند و به همراه آن وجوهی در ارتباط با خریدهای نظامی قدیم و بهره آنکه معادل یک میلیارد و ۷۰۰ میلیون دلار اسکناس می شد، در جعبه هایی به ایران فرستاده شد. کوروش احمدی اظهار کرد: «۴۵ زندانی ایرانی هم که به اتهام نقض تحریم ها در آمریکا زندانی بودند، آزاد شدند. ایران تجربه هایی در این حوزه دارد و این تجربه ها به تسهیل کار کمک کرده است. این توافق ممکن است در چارچوب همان توافقی که تحت عنوان «تفاهم نانوشته» چند ماهی مورد بحث است، شکل گرفته باشد. قطعا یکی از مهم ترین و اولین گام ها در جهت آن تفاهم نانوشته باید تبادل زندانیان باشد. لذا این گام ممکن است نخستین گام در چنین چینی باشد به شرطی که اختلافات در مورد مسائل باقی مانده به سرعت حل شود. این کارشناس مسائل سیاست خارجی تصریح کرد: نخستین اختلافی که در همین روز اول مورد توجه ناظران قرار گرفت، تاکید آمریکا بر قرار گرفتن سپرده ۶ میلیارد دلاری ایران در حساب ویژه در قطر و هزینه کردن این سپرده به صورت مورد به مورد با مجوز وزارت خزانه داری آمریکا و مصفا فاری اقلام بشر دوستانه است. این در حالی است که وزارت خارجه ایران طی بیانیهای تاکید کرد که این سپرده در اختیار ایران خواهد بود و با صلاح دید مقامات ذی صلاح ایرانی برای هر هزینه که لازم بدانند، برداشته خواهد شد. این شاید در اصله باقی مانده باشد که به لحاظ سیاسی حائز اهمیت زیادی است چرا که مقامات آمریکایی هم در این مورد و هم در مورد آزادی یک سپرده ۷.۲ میلیارد دلاری بر آن تاکید کردند. احمدی در این خصوص که آقای رابرت مالی هم بعد از اخراج از مدیریت تیم بحران ایران در آمریکا اولین واکنش خود را به این خبر نشان داد تحلیل شماره چهارده عدم حضور او و رسیدن به این توافق چیست، بیان کرد: فکر نمی کنم معنای خاصی را بتوان بر توثیق رابرت مالی بار کرد. او اکنون در جریان کار نیست. اما به واسطه اینکه او نیز یکی دو سال درگیر مذاکره در مورد آزادی زندانیان بوده و به لحاظ شخصی بستگی هایی به این موضوع یافته بوده، ظاهرا بی مسئولیت ندیده که از به سرانجام رسیدن مشکلی که خود در راه حل آن تلاش کرده بود ویژه از جهت ابعاد انسانی بادی کند. احمدی در پاسخ به این سوال که با توجه به توافق به وجود آمده حالا سناریوی پیش روی مذاکرات آینده ایران و آمریکا و همچنین طرف غربی چیست، گفت: اگر این توافق مطابق میل طرفین نهایی شود، بقیه ابعاد تفاهم نانوشته می تواند مورد توافق نهایی قرار بگیرد. در این رابطه می توان به مواردی چون سطح و میزان غنی سازی در ایران، مسائل منطقه ای و اینکه آمریکا مالین است دوستان منطقه ای ایران خویشتن داری پیشه کنند و تنش در منطقه کاهش یابد اشاره کرد. ادعاهایی که در مورد همکاری ایران با

روسیه در جنگ اوکراین مطرح می شود، موضوع دیگر مورد توجه غربی ها و به ویژه اروپایی هاست. وی افزود: همچنین، موضوع دیگری که تمرکز بر آن تشدید خواهد شد، سررسید لغو تحریم ها یا محدودیت های موشکی علیه ایران در ۲۶ مهر است. اینکه غرب می خواهد در این رابطه چه کار کند، مسأله مهمی است. اروپایی ها ظاهرا بیشتر از آمریکا در این رابطه فکری ندارند. در مجموع طی دو سه ماه آینده طرفین با یک دستور کار شلوغ و حساس مواجه خواهند بود. این کارشناس مسائل بین الملل در پاسخ به این سوال که برای ادامه همکاری ایران با آمریکا و همچنین اروپا برای رسیدن به توافق مشخص چه اقدامات دیگری جهت اعتمادسازی در طرف باید انجام شود، گفت: فکر نمی کنم در این مرحله هنوز بتوانیم از چیزی نزدیک به اعتمادسازی سخن بگوییم. کار اصلی که بین طرفین باید انجام می شد، احیای برجام بود که فعلا یک سالی است که از مذاکره در این رابطه سخنی نیست و از شهریور سال گذشته تاکنون تلاش جدیدی صورت نگرفته است. با این حال تبادل زندانیان و اقلام مطرح در مذاکرات برای تفاهم نانوشته می تواند مقدمه خوبی باشد و جو مصیبت و رد و نفی و تخطئه را تبدیل به جو رو به آینده و احیانا مثبتی تبدیل کند. وی در پاسخ به این سوال که نفع قطر و عمان در جهت رسیدن به این توافق در کجاست و آنها چه سودی از این میانجی گری به دست خواهند آورد، گفت: به طور کلی ایفای نقش میانجی و تلاش برای کاستن از اختلافات بین دیگر کشورها و نزدیک کردن نظرات کشورها به هم و حرکت در جهت حفظ و تحکیم صلح تاثیر مثبتی بر وجهه و پرستیژ کشورها دارد و می دانیم که وجهه هر کشوری بخشی از امنیت ملی آن کشور است. افکار عمومی ملی و بین المللی معمولا واکنش مثبتی نسبت به این قبیل کشورها نشان می دهند و زمینه از این نظر برای دولت ها جهت کار و همکاری با آنها تسهیل می شود. به طور مشخص هم می دانیم که قطر و عمان به شدت انتخاباتی با موضوع برخورد می کنند. ضمن اینکه لایه های مختلفی هم در آنجا علیه ایران کار می کند. ولی من معتقدم که در اصل قضیه آنچه برای ما باید مهم باشد اتفاقات داخل آمریکا نیست چون دولت بایدن مسئول پایداری تعهداتی است که در توافق با ایران داشته این نمی تواند دغدغه ای برای ایران ایجاد کند.